

Hikmat-i karīmān

Year 4, autumn 2025, No.

**Critique of the Yamani Sect's Claim that There Are 24 Imams from
the Perspective of Hadiths and Shia Scholars' Views**

Mohammad Javad Karim Nazar¹

Abstract:

Shiite and Sunni narrations indicate that the caliphs and successors of the Prophet are twelve in number. This belief has been accepted by most Muslims throughout history, especially the Twelver Shia. However, recently, the Yamani sect has challenged this, claiming there are 24 Imams. Due to the sect's widespread propaganda and the need to address their doubts, this study aims to answer: How many successors did the Prophet have? Using a library-based and descriptive-analytical approach, the research examines hadith and theological sources to determine first, how many Imams are mentioned in narrations, and second, what have Shiite scholars historically believed about the number of Imams. Narrations, including those addressing the Mahdi and up to the Day of Judgment, emphasize the 12-Imam doctrine, which has been consistently held by Shiite scholars from past to present. However, Ahmed Ismail Basri claimed there are 24 Imams, though he sometimes contradicted himself by stating both 12 and 24 in different contexts.

Keywords: Yamani Sect, Imamate, Imams' enumeration, 12 or 24 Imams, Shia scholars, Ahmad al-Hasan, Ahmad Ismail.

1. Student of Level 3 in Islamic Schools of Thought, Islamic Schools of Thought Higher Seminary Institute, Qom.

Email: mohammadjavadkarimnazar200@gmail.com

Orcid: 0009-0001-9884-1726

حكمت كريمان

السنة الرابعة، خريف سنة ١٤٤٧، الرقم الثالث عشر

نقد دعوى الفرقة اليمانية القائلة بأن عدد الأئمة اثنا عشر إماماً من منظور الروايات وآراء علماء الإمامية

محمد جواد كريم نظراً



الملخص

تشير روايات الشيعة والسنة إلى أنّ خلفاء النبي ﷺ وأوصيائه هم اثنا عشر إماماً. وقد كان هذا الاعتقاد محط قبول عامة المسلمين على مرّ التاريخ ولا سيما لدى الشيعة الإمامية. إلا أن فرقة ظهرت مؤخراً تعرف بـ«اليمانية» نقضت هذا الادعاء وزعمت أن عدد الأئمة هو أربع وعشرون إماماً. ونظراً للدعاية الواسعة لهذه الفرقة وضرورة الرد على شبهاتها، يسعى هذا البحث للإجابة عن السؤال التالي: كم عدد خلفاء النبي ﷺ؟ من هنا اعتمدت المقالة الحالية المنهج الوصفي-التحليلي وجمع المعلومات من المصادر المكتبية للبحث في المنابع الحديثية والكلامية للتحقق من أمرين؛ أولاً عدد الأئمة من منظور الأحاديث؛ ثانياً: إجماع علماء الشيعة قبل ظهور الفرقة اليمانية على عدد الأئمة. تدل الروايات بطرق مختلفة-منها أسلوب النص على الإثني عشر إماماً حتى القيامة- على حصر الأئمة في إثني عشر إماماً، وهو ما أجمع عليه علماء الشيعة قديماً وحديثاً. بينما تدرّج «احمد اسماعيل البصري» بوجود أربع وعشرين حجة، ووقع كلامه في التناقض والتعارض، حيث ادعى في مواضع وجود إثني عشر اماماً وفي مواضع أخرى اثنا عشر اماماً.

الكلمات المفتاحية: الفرقة اليمانية، الإمامة، حصر الأئمة، اثنا عشر أو أربع وعشرون اماماً، علماء الإمامية، احمد حسن، احمد اسماعيل.

١. باحث في المستوى الرابع، في مؤسسة التعليم العالي الحوزوي المذاهب الإسلامية في قم.

فصلنامه حکمت کریمان

سال چهارم، پاییز ۱۴۰۴، شماره ۱۳

صص ۹۰-۱۱۳

نقد مدعای فرقه یمانی مبنی بر ۲۴ نفر بودن امامان از منظر روایات و آرای علمای امامیه



محمدجواد کریم نظر^۱

چکیده

روایات شیعه و سنی حاکی از دوازده نفر بودن خلفا و جانشینان پیامبر هستند. این اعتقاد در طول تاریخ مورد قبول عموم مسلمانان، به ویژه قاطبه شیعیان امامیه بوده است. اما اخیراً فرقه ای موسوم به یمانی این ادعا را نقض کرده و مدعی شده که تعداد امامان ۲۴ نفر است. با توجه به تبلیغ گسترده این فرقه و لزوم پاسخ‌گویی به شبهات آنان، این نوشتار در صدد است به این سؤال پاسخ دهد که تعداد جانشینان پیامبر چند نفر است؟ از این رو مقاله پیش رو با روش گردآوری کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی تحلیلی به سراغ منابع حدیثی و کلامی رفته تا بررسی کند که اول، از نگاه احادیث، امامان چند نفر هستند؟ دوم، پیش از شکل‌گیری فرقه یمانی، علمای شیعه قائل به چند امام بوده‌اند؟ روایات با روش‌های مختلفی از جمله اسلوب تا قیامت، نص در ۱۲ نفر بودن امامان دارند و علمای شیعه نیز از قدیم تا زمان فعلی و الان، همگی قائل به ۱۲ امام بوده‌اند. اما احمد اسماعیل بصری قائل به ۲۴ حجت شده و علاوه بر آن در کلام خود دچار تعارض و تناقض شده است و در جایی قائل به ۱۲ امام و در جایی دیگر قائل به ۲۴ امام شد. واژه‌های کلیدی: فرقه یمانی، امامت، حصر ائمه، ۱۲ یا ۲۴ امام، علمای امامیه، احمد الحسن، احمد اسماعیل.

۱. دانش‌پژوه سطح ۳ مذاهب اسلامی، مؤسسه آموزش عالی حوزوی مذاهب اسلامی قم.

مقدمه

امامت در طول تاریخ اسلام از مسائلی بوده که مورد بحث و مناقشه مذاهب و فرق اسلامی بوده است. یکی از مباحث فرعی امامت که با خوانش و برداشت‌های متفاوت در قرون گذشته و نیز در دوره معاصر با پیدایش برخی فرقه‌ها موجب اختلاف میان شیعیان شده، مسئله تعداد ائمه است. یکی از فرقه‌های نوپدید، فرقه یمانی می‌باشد با رهبری شخصی به نام احمد اسماعیل که معروف به احمد الحسن است. وی در سال ۲۰۰۳ با تمسک به روایتی موسوم به وصیت پیامبر ﷺ ادعا کرد که با چهار واسطه فرزند امام دوازدهم ﷺ و وصی و جانشین ایشان است و یمانی می‌باشد (مجتهد سیستانی، ۱۳۹۶: ۹؛ حجت، ۱۳۹۷: ۷) این فرقه در عصر حاضر با خوانش انحرافی از روایات از طریق کتاب‌هایی که از این فرقه موجود بوده و همچنین تبلیغ‌های گسترده در بستر فضای مجازی و حتی چهره به چهره و حضوری، موجب گمراهی عده‌ای از شیعیان و تفرقه در بین آنان شده است. یکی از آن ادعاهای احمد اسماعیل، ادعای امامت و وصایت می‌باشد. فرقه یمانی معتقد است که ائمه بیست و چهار نفر هستند و احمد اسماعیل، امام سیزدهم و وصی امام زمان (عج) می‌باشد (علاء سالم، ۱۴۳۳: ۳۹؛ احمد الحسن، ۱۳۹۵ [ب]: ۵) در موضوع تعداد ائمه ﷺ نگاشته‌هایی موجود می‌باشد مانند کتاب دوازده خورشید اثر سید مهدی مجتهد سیستانی (۱۳۹۶)، کتاب برق لامع اثر سید محسن حجت (۱۳۹۷) که نویسنده در بخشی از این کتاب به حصر امامان در دوازده پرداخته است (۴۰)، کتاب درسنامه نقد و بررسی جریان احمد الحسن البصری اثر محمدی هوشیار (۱۴۰۰) که نویسنده در بخشی از این کتاب به حصر ائمه در دوازده نفر پرداخته است (۲۹۱). اما اثر پیش‌رو علاوه بر ذکر اسلوب و شیوه روایات در بیان تعداد ائمه، به دیدگاه علمای امامیه در عدد ائمه بعد پیامبر نیز پرداخته و نظر فرقه یمانی را در زمینه تعداد ائمه نقد و بررسی کرده و همچنین تناقض و تعارض کلام رهبر این فرقه در تعداد اوصیا را تبیین کرده است.

فرقه یمانی معتقد است که تعداد ائمه بعد از پیامبر، بیست و چهار نفر می باشد و احمد اسماعیل بصری نیز (معروف به احمد الحسن) امام سیزدهم است که نظر تعدادی از افراد این فرقه خواهد آمد:

۱. علاء سالم (۱۴۳۳) که از نویسندگان شناخته شده این جریان است، می نویسد: قائم، احمد... سیزدهمین از میان بیست و چهار امام است (۳۹). همو در جای دیگری می نویسد: ایشان وصی و فرستاده امام مهدی - محمد بن الحسن علیه السلام - به سوی همه ی مردم... است (احمد الحسن، ۱۳۹۵ [ب: ۵]) و در عبارتی دیگر نیز ائمه را بیست و چهار نفر معرفی می کند (همان: ۸) و او وصی است (همان: ۹) بنابراین براساس دیدگاه او، اوصیای پیامبر بیش از دوازده نفر هستند که احمد بصری که قائم نیز است، همان امام سیزدهم است.

۲. ناظم العقیلی (۱۴۳۶) نیز که از دیگر نویسندگان برجسته این فرقه است، می نویسد: هیچ دلیل شرعی برای محصور ماندن امامت در دوازده امام نمی یابیم؛ بلکه برعکس دلایل شرعی متواتر و بسیاری به استمرار امامت بعد از امام مهدی علیه السلام در نسل دوازده گانه آنان (مهدیین) دلالت می کند (۹).

۳. عبد الرزاق دیراوی (۱۴۳۳) نیز که یکی نویسندگان این فرقه است، می نویسد: اوصیای دوازده امام و دوازده مهدی هستند (۱۵)؛ همچنین می نویسد: روایات بسیاری وارد شده که دلالت دارند بر اینکه امام سیزدهم، قائم آل محمد است (همان: ۹۷).

۴. علاوه بر اتباع احمد بصری که وی را وصی امام مهدی معرفی کرده اند، شخص احمد بصری که سرکرده این فرقه است نیز خود را وصی امام مهدی علیه السلام معرفی کرده است و می نویسد: او وزیر امام علیه السلام و وصیش می باشد (احمد الحسن، ۱۳۹۶: ۴۷) همچنین می نویسد: مردم بعد از ناآگاهی طولانی فهمیدند حجت ها از آل محمد بیست و چهار نفر هستند؛ نه دوازده نفر؛ چنان که مردم گمان می کنند و آن ها دوازده امام و دوازده مهدی هستند (همان: ۵۱). یعنی احمد اسماعیل بصری عقیده دارد که همه شیعیان و علمای

شیعه که در طول تاریخ، ائمه علیهم السلام را تنها دوازده نفر می دانستند، در جهل بوده اند و وی آن ها را آگاه کرده است که حجت های الهی، بیست و چهار نفر هستند؛ نه اینکه دوازده نفر. وی در کتابی دیگر نیز خود را خلیفه خدا و کسی که رسول خدا به یاری او خوانده است، معرفی می کند (احمد الحسن، ۱۳۹۴: ۳۶-۳۷-۳۸).

پس از آشنایی با ادعای فرقه یمانی درباره شمار امامان، زین پس به بررسی و نقد آن پرداخته خواهد شد. در مقام نقد، مدعی ۲۴ نفر بودن خلفای پیامبر به دو گونه کلی و جزئی عمل خواهد شد. در مقام نقد کلی نخست به احادیثی که در منابع معتبر شیعه آمده و هرچند هرکدام اسلوب خاصی را برگزیده اند اما همگی حاکی از دوازده نفر بودن امامان هستند، پرداخته خواهد شد و در ادامه، آرای علمای شیعه درباره ۱۲ نفر بودن امامان ذکر می شود و در مقام نقد جزئی، اهم ادله ۲۴ نفر بودن امامان را ذکر و به تک تک آن ها پاسخ داده خواهد شد.

۱. نقد کلی

منظور از نقد کلی نقدی است که ناظر به دلیل خاصی نبوده و اصل مدعا را مورد نقد قرار می دهد.

۱-۱. اسلوب و شیوه احادیث در بیان تعداد امامان

در بسیاری از کتاب های حدیثی شیعه امامیه در مورد اینکه ائمه علیهم السلام دوازده نفر می باشند (نه کمتر نه بیشتر) باب و فصل مستقل وجود دارد؛ مانند کتاب الکافی، باب ما جاء فی الاثنی عشر و النص علیهم علیهم السلام (کلینی رازی، ۱۳۸۷: ۶۷۷/۲) کتاب الغیبة، باب ما روی فی أن الأئمة اثنا عشر إماما و أنهم من الله باختاره، فصل فی ما روی أن الأئمة اثنا عشر من طرق العامة و ما یدل علیه القرآن و التوراة (نعمانی، ۱۳۹۷: ۵۷-۱۰۲). بررسی روایات حاکی از این است که آن ها برای حصر تعداد امامان در عدد دوازده از اسالیب مختلفی استفاده کرده اند. در این بخش این اسالیب معرفی و از هرکدام چند نمونه معرفی خواهد شد:

۱-۱-۱. اسلوب تا قیامت

یکی از اسالیبی که در روایات دلالت بر حصر عدد ائمه در اثنی عشر دارد، اسلوب دوازده نفر بودن امامان تا قیامت است. آن روایات به شرح ذیل است:

۱. سَلَمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ: ... أَنَا وَ أَخِي وَ الْأَخْدَ عَشْرَ أَمَامًا أَوْصِيَانِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، كُلُّهُمْ هَادٍ مُهْتَدٍ، أَوَّلُ الْأَوْصِيَاءِ بَعْدَ أَخِي: الْحَسَنُ، ثُمَّ الْحُسَيْنُ، ثُمَّ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ... (هلالی، ۱۴۰۷: ۱۷) سلمان نقل می کند: «من (پیامبر) و برادرم (علی) و یازده امام، اوصیای من تا روز قیامت هستند. همه آن ها هدایت گر و هدایت شده اند. اولین اوصیای بعد از برادرم، حسن است، سپس حسین و سپس نه نفر از فرزندان حسین...».

در این روایت تعداد ائمه علیهم السلام معین و حصر آن در اثنی عشر بیان شده است و آن عبارتی که اشاره به حصر تعداد ائمه در اثنی عشر دارد، عبارت یوم القیامه است. یعنی تا زمانی که عالم دنیا باقی بوده و به پایان خود نرسیده تا روز قیامت برپا شود، کسانی که بعد از پیامبر اکرم جانشین او خواهند بود، بیش از دوازده نفر نمی باشند؛ بنابراین چنانچه کسی مدعی شود که امام سیزدهم بوده یا ادعا کند جانشینان پیامبر بیش از دوازده نفر هستند، سخنی کذب را قائل شده است.

۲. سَلَمَانَ الْفَارِسِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ: كُنْتُ جَالِسًا بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ... فَأَنْتِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ إِنَّا كِ حَسَنٌ وَ حُسَيْنٌ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ أَبْنَاؤُ بَعْلِكَ أَوْصِيَانِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلُّهُمْ هَادُونَ مَهْدِيُونَ وَ أَوَّلُ الْأَوْصِيَاءِ بَعْدِي أَخِي عَلِيُّ ثُمَّ حَسَنٌ ثُمَّ حُسَيْنٌ ثُمَّ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ... (صدوق، ۱۳۹۵: ۲۶۲/۱-۲۶۳) سلمان فارسی می گفت: من در حضور رسول خدا ﷺ نشسته بودم که فرمود تو (فاطمه علیها السلام) بانوی زنان اهل بهشتی و دو پسر تو حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت اند، و فرزندان شوهرت، یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام، اوصیای من تا روز قیامت هستند، همه ی آنان هدایت کننده و هدایت یافته اند. نخستین اوصیای من پس از من برادرم علی است، سپس حسن، سپس حسین، و پس از او نه نفر از نسل حسین.

در این روایت، رسول اکرم ﷺ ابتدا دختر خویش را بانو و سرور زنان اهل بهشت معرفی کرده و در قسمتی دیگر از کلام خود، به معرفی اوصیای خود پرداخته است که علی ﷺ و فرزندان او هستند و با عبارت یوم القیامه، حصر اوصیاء خود را در دوازده نفر تعیین و تثبیت کرده است.

۲-۱-۱. اسلوب خاتم اوصیاء و اول و آخر

یکی دیگر از اسالیبی که در روایات دلالت بر حصر عدد ائمه در اثنی عشر دارد، اسلوب خاتم الأوصیاء و لفظ اول و آخر است. آن روایات چنین می باشد:

۱. عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ... فَقُلْتُ يَا رَبِّ وَمَنْ أَوْصِيَانِي فَنُودِيَتُ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ أَوْصِيَاءَكَ الْمَكْتُوبُونَ عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ فَتَنَظَّرْتُ وَ أَنَا بَيْنَ يَدَيْ رَبِّي إِلَى سَاقِ الْعَرْشِ فَرَأَيْتُ اثْنَيْ عَشَرَ نُورًا فِي كُلِّ نُورٍ سَطْرٌ أَخْضَرٌ مَكْتُوبٌ عَلَيْهِ اسْمُ كُلِّ وَصِيٍّ مِنْ أَوْصِيَانِي أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ آخِرُهُمْ مَهْدِيُّ أُمَّتِي فَقُلْتُ يَا رَبِّ أَ هَؤُلَاءِ أَوْصِيَانِي مِنْ بَعْدِي فَنُودِيَتُ يَا مُحَمَّدُ هَؤُلَاءِ أَوْلِيَانِي وَ أَحِبَّائِي وَ أَصْفِيَانِي وَ حُجَجِي بَعْدَكَ عَلَى بَرِيَّتِي وَ هُمْ أَوْصِيَاؤُكَ وَ خُلَفَاؤُكَ... (همان: ۲۵۴-۲۵۶) علی بن ابی طالب ﷺ نقل می کند که رسول خدا ﷺ فرمود: ... پس گفتم: «ای پروردگار من، جانشینان من چه کسانی هستند؟» ندا آمد: «ای محمد، جانشینان تو کسانی هستند که بر ساق عرش نوشته شده اند.» من در پیشگاه پروردگارم به ساق عرش نگریستم و دوازده نور دیدم که در هر نوری، سطری سبزرنگ بود و نام همه اوصیاء من بر آن نوشته شده بود؛ اولشان علی بن ابی طالب و آخرشان مهدی امتم بود. پس گفتم: «پروردگارا، آیا اینان جانشینان من پس از من هستند؟» ندا رسید: «ای محمد، اینان دوستان، برگزیدگان و حجت های من پس از تو برآفریدگانم هستند و آنان همان جانشینان و خلفای تو هستند...»

در این روایت، رسول اکرم در پیشگاه خداوند، از جانشینان خود پرسش کرده است و وجود ایشان، تنها دوازده نور را به عنوان اوصیای خود در ساق عرش مشاهده کرده است؛

نه کمتر و نه بیشتر. این حصر هم از ادامه روایت برداشت می‌شود که علی بن ابی طالب علیه السلام را اولین وصی خود و امام مهدی علیه السلام را آخرین وصی خود معرفی فرموده است. بنابراین، برگزیدگان، خلفا و حجت‌های پس از رسول اکرم، تنها دوازده نفر هستند.

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْأَيُّمَةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْلُهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ هُمُ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَأَوْلِيَائِي وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَى أُمَّتِي بَعْدِي الْمَقَرُّ بِهِمْ مُؤْمِنٌ وَالْمُنْكَرُ لَهُمْ كَافِرٌ. (همان: ۲۵۹) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «پیشوایان بعد از من دوازده نفرند؛ نخستین ایشان، علی بن ابی طالب علیه السلام است و آخرینشان قائم (مهدی) می‌باشد. آنان خلفا، اوصیا، اولیا و حجت‌های خدا بر امت من پس از من هستند. هر که به آنان اقرار کند، مؤمن است، و هر که ایشان را انکار کند، کافر است.»

بر اساس این روایت نیز، ائمه، اوصیا و خلفای بعد از رسول خدا، تنها دوازده نفر هستند که اولین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله، علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله، امام مهدی علیه السلام است؛ بنابراین لفظ اول و آخر دلالت بر حصر می‌کند.

۳. طَرِيفُ أَبُو نَضْرٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ علیه السلام ... قَالَ أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ... (همان: ۶۸۶/۲) «طریف ابونضر گفت: بر صاحب‌الزمان علیه السلام وارد شدم... حضرت فرمود: من خاتم اوصیا هستم...»

در این روایت، امام زمان علیه السلام خود را با لفظ خاتم اوصیا معرفی کرده است؛ یعنی آخرین وصی رسول اکرم بوده و بعد از او وصی نخواهد بود و نهادن این روایت در کنار روایت‌هایی که می‌گوید اوصیای پیامبر دوازده نفر هستند، این نتیجه حاصل می‌شود که اوصیاء پیامبر تنها دوازده نفر هستند.

۳-۱-۱. اسلوب عدد شهور، حواری عیسی، نقباء بنی اسرائیل

یکی دیگر از اسالیبی که در روایات دلالت بر حصر عدد ائمه در اثنی عشر دارد، اسلوب عدد شهور، حواری عیسی و نقباء بنی اسرائیل است. آن روایات چنین است:

۱. علی علیه السلام... لَقَدْ سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ أَنَا عِنْدَهُ عَنِ الْأَيْمَةِ بَعْدَهُ... إِنَّ عَدَدَهُمْ كَعَدَدِ الْأَشْهُورِ... (همان، ج ۱؛ ۲۵۹-۲۶۰) علی علیه السلام فرمود: «... روزی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حضور من درباره امامان بعد از او پرسیده شد و آن حضرت فرمود: تعداد آنان به شمار ماه‌های سال است...»

از اسلوب عدد شهور، دو نکته استفاده می‌شود: یکی از آن‌ها تعداد ائمه علیهم السلام است که از این اسلوب استفاده می‌شود که دوازده نفر هستند؛ زیرا تعداد ماه‌ها دوازده تا است و دیگری حصر ائمه در دوازده است. از این اسلوب فهمیده می‌شود که تنها دوازده نفر هستند زیرا ماه‌های سال تنها دوازده تا است.

۲. عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ... عَهْدَ إِلَيْنَا نَبِيِّنَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ يَكُونُ بَعْدَهُ إِثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً بَعْدَ نُقْبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ (همان، ۲۷۰-۲۷۱). عبدالله بن مسعود گفت: «... پیامبر ما صلی الله علیه و آله به ما عهد و خبر داد که پس از او دوازده خلیفه خواهد بود؛ به شمار نقبای بنی اسرائیل.»

خلفای بعد از رسول در این روایت به صراحت دوازده نفر معرفی شده‌اند و براساس عبارت آخر روایت (بعدد نقبای بنی اسرائیل) حصر خلفای رسول در دوازده نفر ثابت می‌شود؛ زیرا نقبای بنی اسرائیل تنها دوازده نفر بوده‌اند؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا... (مائده/۱۲) خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از آن‌ها، دوازده نقیب [= سرپرست] برانگیختیم.

۳. عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبَّاسٍ قَالَ:... قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَكَمْ الْأَيْمَةُ بَعْدَكَ قَالَ بَعْدَ حَوَارِيِّ عِيسَى... (خزار رازی، ۱۳۶۰: ۱۶-۱۷). عبدالله بن عباس می‌گوید: ... گفتم: ای رسول خدا، پس تعداد امامان پس از تو چند نفر است؟ فرمود: به شمار حواری عیسی.

بر اساس عبارت آخر روایت (به عدد حواری عیسی) حصر ائمه بعد از رسول در دوازده نفر ثابت می‌شود؛ زیرا حواری عیسی تنها دوازده نفر بوده‌اند؛ چنان‌که در تعدادی از روایات (صدوق، بی تا: ۱۵۸/۱؛ مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۸۱) به آن اشاره شده است.

روایات در مسئله حصر ائمه بیش از این تعداد می باشد که گذشت و به جهت اختصار به همین شمار اکتفا می گردد. همانگونه که مشخص گردید، روایات با اسالیب گوناگون ثابت می کند که ائمه علیهم السلام که اوصیای پیامبر می باشند، دوازده نفر هستند نه اینکه بیست و چهار نفر می باشند.

۲-۱. تصریح علمای امامیه بر ۱۲ نفر بودن امامان

اما علمای امامیه مانند شیخ طوسی (بی تا [الف]: ۱۰۶-۱۰۷)، سید بن طاووس (ابن طاووس، ۱۴۰۰: ۱۷۲)، ابن میثم بحرانی (ابن میثم، ۱۴۲۹: ۱۲۴)، شیخ صدوق (۱۴۱۴: ۹۳)، شیخ حر عاملی (۱۳۸۳: ۲۲۵/۴)، سید شفتی (موسوی شفتی، ۱۴۱۱: ۲۸)، هاشم بحرانی (۱۳۸۵: ۸) و... بر این باورند که تعداد ائمه علیهم السلام و جانشینان پیامبر، دوازده نفر است (نه کمتر و نه بیشتر). از آنجا که ذکر اقوال همه علما مجال زیادی می خواهد و این نوشتار چنین مجالی را ندارد، از باب نمونه تنها به نظر برخی علمای امامیه بسنده می شود:

۱. علامه حلی^۱ در شرح کلام خواجه می نویسد: هنگامی که روشن ساخت که امام پس از رسول خدا، علی بن ابی طالب علیه السلام است، وارد بحث درباره امامت یازده امام شد و آنان عبارت اند از: حسین بن علی علیه السلام... (تا) حسن عسکری علیه السلام، سپس امام منتظر علیه السلام، که نقل متواتر از شیعه دلالت بر این دارد و همچنین مخالفان نیز این مطلب را از طرق متعدد نقل کرده اند، گاهی به صورت اجمالی و گاهی به تفصیل، چنان که از رسول خدا به متواتر روایت شده است که به حسین علیه السلام فرمود این فرزند من امام، فرزند امام، برادر امام و پدر نه امام است که نهمین آنان قائم می باشد (حلی، ۱۴۳۰ [ب]: ۵۳۹) بنابراین ائمه علیهم السلام تنها دوازده نفر هستند. علامه در کتابی دیگر نیز ائمه علیهم السلام را دوازده نفر می داند (حلی، ۱۴۳۰ [الف]: ۸۶). همچنین در سخنی دیگر از وی وارد شده است که ائمه علیهم السلام دوازده نفر هستند (حلی، ۱۴۰۵: ۲۱). همچنین در کلامی دیگر این عقیده را تأکید کرده و می نویسد:

۱. متوفای ۷۲۶ ق.

پس رسول خدا ﷺ تأکید فرمود که امامان از قریش اند؛ سپس بیان کرد که امامان دوازده نفرند؛ نه بیشتر و نه کمتر (حلی، ۱۴۲۱: ۱۴). در عبارتی دیگر نیز می نویسد: این اخبار بر امامت دوازده امام از نسل محمد ﷺ دلالت دارد و هیچ کس به حصر عدد معصومین قائل نیست؛ مگر امامیه و روایات در این زمینه بیش از آن است که شمرده شود (حلی، ۱۹۸۲: ۲۳۱) بنابراین عقیده امامیه بر حصر عدد ائمه علیهم السلام در دوازده استوار می باشد.

۲. ابن صلاح بحرانی^۱ نیز ائمه علیهم السلام را دوازده نفر بیان کرده است (الصیمری البحرانی، بی تا: ۱۳۲). می نویسد: پس این اخباری که از دانشمندان اهل سنت در کتاب های معتبرشان (صحاح) نقل شده، دلالت دارد بر اینکه خلافت تنها در دوازده خلیفه منحصر است و هیچ یک از فرقه های مسلمان قائل به انحصار خلافت در دوازده نفر نیستند؛ مگر شیعیان دوازده امامی، و آنان همان فرقه نجات یافته اند و این امر آشکار است (همان: ۱۳۴).

۳. شرف الدین موسوی^۲ (بی تا) نیز تعداد ائمه علیهم السلام را دوازده نفر دانسته و حتی به بعضی از روایات حصر عدد ائمه در دوازده نیز اشاره کرده (۲۹۸) و در ذیل حدیث ثقلین می نویسد: و هر کس در این حدیث تأمل و دقت کند، درمی یابد که مقصود آن منحصر دانستن خلافت در امامان از عترت پاک است (همان: ۴۹۴).

علمای امامیه به عنوان متخصصان در دین معتقدند که ائمه علیهم السلام که خلفای پیامبر هستند، تنها دوازده نفر هستند؛ بنابراین اعتقاد به نظریه بیست و چهار امام، بطلان آن واضح می باشد. و حتی در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: ائمه بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله دوازده نفر هستند. آنان برگزیدگان (نُجَبَا) و الهام یافتگان (مُفَهَّمُونَ) هستند. هر کس که از آنان یک نفر را کاسته یا به آنان یک نفر افزود، از دین خدا خارج شده و از ولایت ما بهره ای نخواهد برد (مفید، ۱۴۱۳: ۲۳۳) از مقدمه شیخ مفید برداشت می شود که این روایت در شمار روایت های معتبر

۱. متوفای ۹۰۰ ق.

۲. متوفای ۱۳۷۷ ق.

است؛ زیرا شیخ می نویسد: این کتاب را تألیف و تصنیف کرده و در گردآوری اش زحمت بسیار کشیدم و در آن گونه های مختلف احادیث و روایات برجسته و آثار نیکو... وارد کردم (همان: ۱) و مرحوم مجلسی (۱۴۰۳) نیز این روایت را از کتاب اختصاص شیخ مفید، در باب کفر المخالفین و النصاب نقل کرده است (۱۳۶/۷۲).

۲. نقد جزئی؛ ناتمام بودن مستندات

پس از نقد کلی ادعای ۲۴ نفر بودن امامان، زین پس به نقد اهم ادله این مدعا پرداخته خواهد شد. فرقه یمانی برای اثبات این مدعای خود به بعضی روایات استناد کرده است. در این بخش مهم ترین آن ها ذکر و نقد خواهد شد:

۲-۱. حدیث جابر

علاء سالم (۱۴۳۳) به روایتی استناد کرده (۳۹) که شیخ کلینی در کافی ذکر می کند که جابر بن عبدالله انصاری می گوید: خدمت فاطمه علیها السلام رسیدم؛ در حالی که در دست هایشان لوحی بود که در آن نام اوصیا از فرزندانش نوشته شده بود. من دوازده نفر را شمردم که آخرین شان قائم علیه السلام بود. سه نفر از آن ها محمد نام داشتند و سه نفرشان علی (کلینی رازی، ۱۳۸۷: ۶۹۷/۲-۶۹۸). وی در استدلال به این روایت می نویسد: و روشن است امام مهدی علیه السلام یازدهمین نفر از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام هستند؛ بنابراین تنها این باقی می ماند که دوازدهمین فرزند ایشان، همان سیزدهمین باشد. اگر امام علی علیه السلام را به آن ها اضافه کنیم و او همان مهدی (احمد) است... (علاء سالم، ۱۴۳۳: ۳۹)

۲-۱-۱. نقد استناد به روایت جابر

شبهه به این صورت است که در ۱۲ امام، تنها ۱۱ امام از فرزندان حضرت زهرا علیها السلام هستند که با همسر حضرت ۱۲ امام را تشکیل می دهند؛ اما این روایت می گوید ۱۲ تا از فرزندان حضرت زهرا علیها السلام امام هستند که با همسر حضرت زهرا علیها السلام می شوند ۱۳ امام.

در مقابل این حدیث و شبهه نکاتی مطرح می‌گردد:

۱. مرحوم مجلسی در ذیل این روایت کافی می‌نویسد: من وُلِدَها (روایت) یا منظور همان یازده فرزند حضرت زهرا علیها السلام است که در این صورت، فاء در فَعَدَدْتُ (روایت) برای تفریع است؛ یعنی به ضمیمه پدرشان (امیرالمومنین علیه السلام) دوازده نفر شدند و اینکه گفت ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ - سه تا از آنها - یعنی از فرزندان فاطمه علیها السلام (سه نفر اسمشان علی بود) نه از جمیع اوصیاء زیرا در اوصیاء چهار نفر اسمشان علی است (نه سه نفر) و ظاهر این است که تصحیف که در لغت به معنای خطای در صحیفه - نوشتار - می‌باشد (جوهری، ۱۴۰۷: ۱۳۸۳/۴) که در آن تغییر واژه از یکسانی یا شباهت لفظی یا کتبی دو کلمه ناشی می‌شود (دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۳۵۷۵) مانند إِنْ النَّبِيِّ احْتَجَرَ فِي الْمَسْجِدِ بِإِنِّ النَّبِيِّ احْتَجَمَ... تصحیف شده (نجفی یزدی، ۱۳۹۲: ۳۶۳) از جانب نُسَاخ می‌باشد زیرا شیخ صدوق در اکمال‌الدین (صدوق، ۱۳۹۵: ۲۶۹/۱)، عیون (اخبار الرضا) (صدوق، بی‌تا: ۴۶/۱-۴۷) و فقیه (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱۸۰/۴) و شیخ (طوسی) در الغیبه با همین سند از جابر روایت کرده‌اند و در تمام آن‌ها و در کتب دیگر [آمده است که] و چهار نفر از آن‌ها علی هستند (مجلسی، ۱۳۶۳: ۲۲۸/۶).

بنابراین راوی، اوصیاء را همراه امیرالمومنین علیه السلام دوازده نفر محسوب کرده است و همچنین این روایت ظهور در تصحیف دارد؛ زیرا در کتاب‌های دیگر مانند کمال‌الدین صدوق، آمده است که چهار نفر از آن‌ها اسمشان علی بود (برخلاف کافی) که با این حساب امیرالمومنین را هم داخل در در همان اوصیایی دانسته است که از فرزندان فاطمه علیها السلام می‌باشند دانسته است و این نیز می‌تواند از باب تغلیب باشد یعنی وقتی اکثر اوصیاء از فرزندان فاطمه علیها السلام می‌باشند، بنابر این اکثر، آن یک مورد که امیرالمومنین علیه السلام بوده که از فرزندان فاطمه علیها السلام نمی‌باشد را نیز داخل در همان اوصیاء از فرزندان فاطمه علیها السلام محسوب کرده است و این تغلیب، مؤید و شاهد نیز در بعضی از آیات و روایات دارد، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: اِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ

يُطَهِّرْكُمْ تَطْهِيرًا (احزاب: ۳۳) با اینکه حضرت زهرا علیها السلام از اهل بیت علیهم السلام محسوب می‌گردد، اما با این حال از ضمیر مذکر استفاده شده است زیرا اکثر اهل بیت علیهم السلام از مردان می‌باشند.

همچنین در یک روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شده است که: «بعد از من، امامانی از نسل من، برپادارندگان به عدل، مانند تعداد نقیبان فرزندان اسرائیل. اولین آنها علی بن ابی طالب علیه السلام» (خزار رازی، ۱۳۶۰: ۱۷۳) در این روایت، امیرالمومنین علیه السلام جزء ائمه از نسل رسول خدا محسوب شده است؛ در صورتی که احدی قائل نمی‌باشد که امیرالمومنین علیه السلام از ذریه رسول خدا باشد و این از باب تغلیب است؛ زیرا اکثر ائمه از نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند؛ بنابراین، روایت جابر نیز می‌تواند از باب تغلیب باشد.

۲. بر فرض که پذیرفته شود که محتوی آن سیزده وصی را بیان می‌کند، خلاف فرض علاء سالم لازم می‌آید؛ زیرا وی ائمه را بیست و چهار نفر دانسته است؛ در حالی که این روایت جابر ثابت می‌کند ائمه تنها سیزده تن هستند و این خود موجب بطلان ادعای وی خواهد بود.

اما ممکن است کسی اشکال کند که روایت نمی‌گوید ائمه تنها سیزده تن (در صورت قائل شدن به اینکه روایت سیزده تن را بیان می‌کند) هستند تا خلاف فرض علاء سالم لازم آید، ممکن است بیشتر بوده‌اند و جابر فقط همین تعداد را برشمرده است؟

در پاسخ گفته می‌شود که بر فرض اینکه پذیرفته شود که این روایت سیزده وصی را بیان می‌کند (که نمی‌کند و ۱۲ وصی را بیان می‌کند) گفته خواهد شد. این روایت، حصر را اشاره دارد به دو دلیل:

الف. اطلاق کلام جابر؛ جابر در کلام خود بیان کرده است که فَعَدَدْتُ اثْنِي عَشْرَ آخِرِهِمُ الْقَائِمُ (شمردم ۱۲ تا که آخرین شان قائم بود) و این سخن مطلق و بی‌قیدوبند است؛ به این صورت که نگفته است فَعَدَدْتُ اثْنِي عَشْرَ مِنْهُمْ (شمردم ۱۲ تا از آن اوصیا را) که گفته شود جابر ۱۲ نفر از آن اوصیا را شمرده است نه همه آنان را، بلکه گفته که

شمردم ۱۲ تا، این کلام مطلق است و قیدی ندارد؛ یعنی اوصیایی که من شمردم ۱۲ نفر بیشتر نبودند؛ زیرا این از اطلاق کلام جابر برداشت می‌شود که قیدی به آن اضافه نکرده است؛ مثل اینکه بگویند ۱۲ نفر از آن اوصیا، بنابراین جابر همه اوصیا را شمرده است.

ب. اگر اوصیا بیشتر بوده‌اند، چه دلیلی دارد که جابر از لفظ آخر در پایان شمارش خود استفاده کند؟ آیا این خود دلیل نیست که جابر همه اوصیا را شمرده است که آخرین آن را قائم معرفی می‌کند؟ که قائم نیز در روایات بر امام دوازدهم اطلاق شده است (کلینی رازی، ۱۳۸۷: ۷۰۲/۲؛ صدوق، ۱۴۱۶: ۴۸۰/۲) و حتی در بعضی از روایات دیگری نیز که قبلاً گذشت، اوصیا فقط دوازده نفر شمرده شده است که آخرین آن را قائم معرفی کرده‌اند؛ بنابراین در بیان لفظ آخر از جانب جابر، دلالتی وجود دارد که به سادگی نمی‌توان از آن عبور کرد و آن دلالت نیز همان حصر است.

بنابراین روایت سیزده وصی را نیز نفی کرده بلکه اثبات می‌کند اوصیای بیش از ۱۲ نفر نمی‌باشند؛ چنان‌که کلینی نیز این روایت را ذیل عنوان باب ما جاء فی الاثنی عشر و النص علیهم آورده است (کلینی رازی، ۱۳۸۷: ۶۷۷/۲)؛ یعنی مرحوم کلی که استاد حدیث است نیز از این روایت بیش از ۱۲ وصی برداشت نکرده است. اما در هر صورت خلاف فرض، علاء سالم لازم می‌آید که بیان شود.

۳. هنگامی که در موضوعی چند احتمال مطرح باشد، استدلال به آن بی‌اعتبار خواهد شد؛ چنان‌که گفته شده است: «إذا جاء الاحتمال، بطل الاستدلال»؛ یعنی هنگامی که با شواهدی این احتمال مطرح شد که در روایت، تصحیف و خطای در نوشتار صورت گرفته است، نتیجه این می‌شود که نمی‌توان به آن روایت جابر استدلال کرد مبنی بر اینکه اوصیا سیزده تن هستند؛ زیرا احتمال دیگری همچون تصحیف و اشتباه در نوشتار نیز مطرح است که شاید همین احتمال صحیح باشد که البته مؤیداتی نیز برای آن بیان شد.

۴. بر فرض که این روایت به سیزده وصی و امام اشاره دارد، از کجا معلوم است که سیزدهمین وصی، همان احمد اسماعیل است؛ بنابراین صرف ادعا، نمی‌تواند چیزی را

به اثبات برساند؛ یعنی هنگامی که پذیرفتیم دلالت این روایت را مبنی بر اینکه اوصیاء سیزده تن هستند، در مرحله بعد، باید مصداق خارجی سیزدهمین وصی نیز مشخص شود؛ یعنی باید تعیین شود که این نفر سیزدهمین چه کسی است و این فرقه یمانی را با مشکلی اساسی مواجه می‌کند؛ زیرا از کجا معلوم که سیزدهمین وصی احمد اسماعیل است؟ هر شخص دیگری نیز می‌تواند ادعا کند که او مصداق سیزدهمین وصی است.

۲-۲. حدیث موسوم به وصیت

دلیل دیگر فرقه یمانی، بلکه مهم‌ترین دلیل آنان مبنی بر اینکه خلفا بیست و چهار نفر هستند، حدیثی است که شیخ طوسی (بی تا [ب]) آن را نقل می‌کند (۱۵۰-۱۵۱) که در این فرقه موسوم به حدیث وصیت است و محتوی آن به طور خلاصه اشاره دارد که رسول خدا صلی الله علیه و آله در شبی که وفاتش در آن شب واقع شد، به علی علیه السلام فرمود کاغذ و دواتی بیاورد. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله وصیت خود را املا فرمود تا به انتهای این موضع (وصیت) رسید و فرمود: «یا علی بعد از من دوازده امام و بعد از آن‌ها دوازده مهدی هستند... تو (علی) پس از من خلیفه من بر اتم هستی. هرگاه وفاتت رسید، وصیت را به پسر من حسن علیه السلام واگذار کن، هرگاه وفاتش رسید، وصیت را به پسر من حسین شهید زکی مقتول واگذار کند. تا می‌رسد به اینجا که هرگاه وفاتش رسید امام حسن عسکری علیه السلام وصیت را به فرزندش محمد مستحفظ از آل محمد علیهم السلام واگذار کند، پس آن‌ها دوازده امام، سپس بعد از او دوازده مهدی هستند.

علاء سالم که احمد الحسن را وصی سیزدهم معرفی می‌کند، در استدلال به این حدیث موسوم به وصیت می‌نویسد: همان‌طور که فرستاده خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله در وصیت مقدس خود به ایشان تصریح فرموده است (احمد الحسن، ۱۳۹۵ [ب]: ۹) همچنین وی در اثبات اینکه خلفا بیست و چهار نفر هستند نیز به این حدیث استناد کرده است (علاء سالم، ۱۴۳۳: ۳۸-۳۹).

ناظم العقیلى (۱۴۰۱) نیز در استدلال به اینکه حضرت مهدی علیه السلام آخرین وصی پیامبر نبوده و اوصیائی بعد از او نیز خواهند بود، به همین حدیث موسوم به وصیت استدلال کرده است (۱۴۶).

عبد الرزاق دیراوی (۱۴۳۳) نیز در استدلال به این حدیث موسوم به وصیت، اوصیاء را بیست و چهار نفر معرفی می‌کند (۱۳).

۲-۲-۱. نقد دلیل وصیت

اشکالات این حدیث این‌گونه است که تعدادی از راویان این حدیث مجهول بوده (محمدی هوشیار، ۱۴۰۰: ۱۵۶)، مانند علی بن سنان موصلی العدل که در رجال شیخ طوسی و دیگر کتب رجالی شیعه (رجال نجاشی و...) نامی از وی به میان نیامده است، اما آیت الله خوئی اسم وی را ذکر کرده و به قرینه لفظ العدل، احتمال عامی (سنی) بودن وی را مطرح کرده است (خوئی، ۱۴۱۳: ۵۰/۱۳) و بعضی (احمد بن محمد الطبری) نیز کذاب و وضاع حدیث هستند (ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۴۲) و دلالت این حدیث نیز با روایات بسیاری در تعارض است؛ مانند روایات متواتر رجعت که به عنوان مسلمانات مذهب تشیع هستند (محمدی هوشیار، ۱۴۰۰، ۱۵۷) و اکثر قریب به اتفاق علمای شیعه نیز دلالت یا مفاد آن را مقطوع ندانسته و آن را مخالف مشهور معرفی کرده اند (همان، ۱۲۵). مانند شیخ حر عاملی که می‌نویسد: واضح است که احادیث دوازده مهدی پس از دوازده امام علیهم السلام، به جهت نادر و شاذ بودنشان موجب قطع و یقین نشده و با سایر روایات متواتر تعارض آشکار دارد (حر عاملی، بی تا: ۴۰۲). همچنین شیخ حر می‌نویسد که این حدیث از طرف عامه و مخالفان است (همان: ۴۰۳؛ همو، ۱۴۰۳: ۱۱۵) و در روایتی وارد شده است: «معالم دینت را از غیر شیعیان ما مگیر؛ زیرا اگر از آنان فراتر روی، دینت را از خائنانی خواهی گرفت که به خدا و پیامبرش خیانت کردند و به امانت هایشان خیانت ورزیدند» (حر عاملی، ۱۴۱۶، ۱۵۰/۲۷).

همچنین هدف شیخ طوسی (بی تا [ب]) از ذکر این حدیث نیز چنین نبوده است که اثبات کند ائمه بیش از دوازده نفر هستند؛ زیرا در همین کتاب الغیبة می نویسد: اما کسانی که گفته بودند حجة بن الحسن اولادی داشته و پس از ایشان فرزندشان به امامت رسیده است! قول بی اساس این ها هم باطل است؛ چراکه استدلال کردیم که ائمه علیهم السلام دوازده نفر هستند؛ بنابراین ردّ این قول از بدیهیات است (۲۲۸). بلکه هدف شیخ از ذکر این روایت در کنار روایت های دیگر، اثبات و تأیید اعتقاد به دوازده امام علیهم السلام است (همان: ۱۲۷)؛ نه اینکه اثبات کند ائمه بیش از دوازده نفر هستند. بنابراین، این حدیث نیز نمی تواند مدعای این فرقه را اثبات کند.

اگر در پاسخ به این اشکال که اعتقاد به ۲۴ امام، مخالف با روایات متواتر و اجماع علمای شیعه است؛ بگویند فرقه یمانی، امامت و مقام دوازده مهدی را پایین تر از دوازده امام می دانیم، گفته می شود که اگر چنین عقیده ای دارید، پس چرا دوازده مهدی را در ادامه دوازده امام مطرح کرده اید و قائل شده اید احمد سیزدهمین امام است؟ علاوه بر این، روایات نیز به چنین تفصیلی اشاره نکرده و ائمه را تنها ۱۲ نفر معرفی کرده است.

۲-۳. نقد ادعای ناظم، دیراوی و احمد الحسن

اما در نقد کلام ناظم العقیلی که پیش تر گفته شد؛ یکی از روش های فرقه ها، ادعاهای بی اساس است؛ زیرا اولاً با اسلوب های متعددی ثابت شد که ائمه علیهم السلام تنها دوازده تن هستند و از باب اختصار، بعضی روایت ها، بلکه مهم ترین آنکه استناد این فرقه است، بررسی شد و مشت نمونه خروار است. این است که از باب اختصار بعضی روایت ها بلکه مهم ترین آنکه استناد این فرقه است، بررسی شد و مشت نمونه خروار است. این است که از باب اختصار بعضی روایت ها بلکه مهم ترین آنکه استناد این فرقه است، بررسی شد و مشت نمونه خروار است. این است که از باب

اختصار بعضی روایت‌ها بلکه مهم‌ترین آنکه استناد این فرقه است، بررسی شد و مشت نمونه خروار است. این است که خروار استناد شد و مشت نمونه خروار است و از باب اختصار بعضی روایت‌ها بلکه مهم‌ترین آنکه استناد این فرقه است بررسی شد و مشت نمونه خروار است و از باب اختصار بعضی روایت‌ها بلکه مهم‌ترین آنکه استناد این فرقه است بررسی شد و مشت نمونه خروار است و از باب اختصار بعضی روایت‌ها بلکه مهم‌ترین آنکه استناد این فرقه است بررسی شد و مشت نمونه خروار است و از باب ثانیاً در روایتی از امام صادق علیه السلام وارد شده است که مهدیین امام نمی‌باشند: از ابوبصیر روایت شده که فرمود: به صادق، جعفر بن محمد علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! من از پدرتان شنیدم که فرمود: «بعد از قائم (عج)، دوازده مهدی خواهند بود. امام صادق علیه السلام فرمودند: «ایشان فقط دوازده مهدی هستند و نفرمودند دوازده امام. بلکه آنان گروهی از شیعیان ما هستند که مردم را به دوستی ما (اهل بیت) و شناختن حق ما فرامی‌خوانند (صدوق، ۱۳۹۵: ۳۵۸/۲).

ثالثاً در صورت اثبات وجود مهدیین و امامت آن‌ها، گفته خواهد شد که براساس بعضی روایات، مهدیین همان دوازده امام هستند؛ مانند: از عبدالرحمن بن سلیط روایت شده که گفت: حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام فرمودند: از ما (اهل بیت) دوازده مهدی وجود خواهد داشت؛ اولین آن‌ها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است و آخرین آن‌ها نهمین نفر از فرزندان من است (صدوق، بی تا: ۶۸/۱-۶۹) و روایت محمد بن عمران که گفت از ابی عبدالله علیه السلام شنیدیم که می‌فرمود: نَحْنُ اِئْتْنَا عَشْرَ مَهْدِيَّآءٍ؛ ما دوازده مهدی هستیم (همو، ۱۳۹۵: ۳۳۵/۲).

۲. همچنین در نقد کلام عبد الرزاق دیراوی نیز گفته می‌شود با اسلوب‌های متعددی از روایات بیان شده که اوصیاء و ائمه علیهم السلام تنها دوازده نفر هستند و اینکه قائم نیز همان امام سیزدهم می‌باشد، ادعایی واهی است؛ زیرا اولاً روایات بسیاری دلالت دارند که ائمه تنها دوازده نفر هستند؛ بنابراین این ادعا که ائمه بیش از دوازده نفرند ثابت نمی‌شود تا سپس ادعا شود قائم همان امام سیزدهم است؛ ثانیاً روایات بسیاری دلالت دارند بر اینکه

قائم همان امام دوازدهم است؛ مانند روایتی که از امام باقر علیه السلام وارد شده که بعد از حسین بن علی علیه السلام نه امام خواهد بود که نهمین آن قائم است (کلینی رازی، ۱۳۸۷: ۷۰۲/۲؛ صدوق، ۱۴۱۶: ۴۸۰/۲).

۳. نقدهای قبلی بر ادعاهای احمد بصری که در مقدمه بیان شد نیز وارد است؛ زیرا در جایی خود را وصی امام مهدی علیه السلام معرفی می‌کند (همان: ۴۷) و در جای دیگر می‌نویسد: اما شیعه دوازده امامی پس از پیامبر به اوصیای پیامبر مراجعه می‌کردند و امامی پس از امام دیگر پیرو آن‌ها بودند؛ تا اینکه امامت و جانشینی پیامبر و جانشینی خدا در زمینش به خاتم اوصیا، امام محمد بن الحسن المهدی علیه السلام رسید (احمد الحسن، ۱۳۹۵ [الف]: ۷۵/۲-۷۶). همچنین می‌نویسد: و عدم شناخت حلال از حرام، برای نشان دادن نیاز مردم به خاتم اوصیا، امام مهدی علیه السلام است (همان: ۶۷) در سخنی دیگر نیز می‌نویسد: در بخش‌های بعدی بحث در خصوص روی گردانیدن امت از پیشوایان، آخرین اوصیای پیامبر امام مهدی علیه السلام خواهد آمد (همان: ۶۳).

تعارض و تناقض سخنان وی این‌گونه می‌باشد که چگونه در جایی خود را وصی امام مهدی علیه السلام و در جایی دیگر امام مهدی علیه السلام را خاتم اوصیاء معرفی می‌کند؛ اگر امام مهدی علیه السلام را خاتم اوصیاء می‌داند، این خود دلیلی بر انکار وصایت خود اوست؛ زیرا هنگامی که گفته شود امام مهدی علیه السلام آخرین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله است، یعنی بعد او وصی نخواهد بود و اوصیای پیامبر صلی الله علیه و آله تنها دوازده نفر هستند، نه اینکه بیست و چهار نفر باشند. بنابراین احمد اسماعیل با سخنانی که از وی نقل شد، حصر امامت و وصایت را در دوازده نفر به اثبات رسانید و این همان تیشه به ریشه خودزدن است. همچنین سخنان وی مخالف کلام پیروانش بیان شد؛ زیرا آنان اوصیاء را بیست و چهار نفر معرفی کردند که در عبارات پیشین گذشت.

نتیجه‌گیری

با تأمل در منابع حدیثی و کلامی امامیه، چنین به دست می‌آید که نظریه فرقه یمانی در خصوص وجود بیست و چهار امام، از هیچ‌گونه پشتوانه معتبر روایی و اجماع علمی برخوردار نمی‌باشد و بر اساس بررسی روایات موجود از معصومین علیهم‌السلام، امامت پس از رسول خدا منحصر در دوازده امام معصوم است؛ چنان‌که روایات با اسلوب‌های گوناگون نظیر «تاقیامت»، «اول و آخر»، و «خاتم اوصیاء» همگی بر حصر عدد ائمه در اثنی عشر دلالت دارند. بررسی حدیث موسوم به «وصیت» که اساس ادعای فرقه یمانی بر آن بنا شده، نشان می‌دهد که این روایت از نظر سند، مشتمل بر راویان مجهول و ضعیف بوده و از حیث دلالت، با مجموعه‌ای از روایات متواتر و مسلم مذهب امامیه در تعارض است. همچنین هدف شیخ طوسی از ذکر این حدیث، نه اثبات ائمه‌ای افزون بر دوازده نفر، بلکه تأیید عقیده به همین دوازده امام بوده است. از سوی دیگر، دیدگاه علمای امامیه همگی مؤید آن است که امامت در دوازده نفر منحصر بوده و هرگونه ادعای افزون یا کاستی در این عدد، خروج از چارچوب اعتقاد شیعی محسوب می‌شود. افزون بر آن، گفتار و نوشته‌های احمد اسماعیل بصری (احمد الحسن) دچار تناقض و تعارض آشکار است؛ زیرا وی در برخی آثارش امام مهدی علیه‌السلام را «خاتم اوصیاء» معرفی کرده است که این تعبیر، امکان استمرار امامت پس از آن حضرت را نفی می‌کند. بنابراین، نظریه «بیست و چهار امام» از منظر روایات و بر پایه اجماع علمای امامیه، فاقد ارزش اعتقادی است و هرگونه افزودن بر این عدد، موجب خروج از مسیر حق و سلب انتساب به ولایت اهل بیت علیهم‌السلام خواهد بود. اما در مقابل، اعتقاد به امامت دوازده‌گانه از اصول قطعی و غیرقابل تغییر مذهب تشیع است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق)، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۰ ق)، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، قم: خیام.
۴. ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۴۲۲ ق)، الرجال، قم: مؤسسه علمی و فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر.
۵. ابن میثم، میثم بن علی، (۱۴۲۹ ق)، النجاة فی القيامة فی تحقیق أمر الإمامة، تهران: موسسه البعثة (قسم الدراسات الإسلامية).
۶. احمد الحسن (۱۳۹۴)، وصیت مقدس نوشتار بازدارنده از گمراهی، [بی جا]: انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام.
۷. احمد الحسن (۱۳۹۵) [الف]، گوساله، [بی جا]: انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام.
۸. احمد الحسن (۱۳۹۵) [ب]، سیزدهمین حواری، [بی جا]: انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام.
۹. احمد الحسن (۱۳۹۶)، نصیحتی به طلبه های حوزه های علمیه و همه حق خواهان، [بی جا]: انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام.
۱۰. بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۳۸۵)، بهجة النظر فی إثبات الوصایة و الإمامة للأئمة الاثنی عشر، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی.
۱۱. جوهری، ابونصر (۱۴۰۷ ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، بیروت: دار العلم للملایین.
۱۲. حجت، سید محسن، (۱۳۹۷)، برق لامع در رد احمد بن اسماعیل گاطع، کابل: مرکز حفظ و نشر آثار فقیه اهل البيت آیت الله سید محسن حجت.

١٣. حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا)، الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، قم: دليل ما.
١٤. حر عاملی، محمد بن حسن (١٤١٦ ق)، وسائل الشيعه، قم: آل البيت ❁.
١٥. حر عاملی، محمد بن حسن (١٤٠٣ ق)، الفوائد الطوسية، قم: المطبعة العلمية.
١٦. حرعاملی، محمد بن حسن (١٣٨٣)، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
١٧. حلی، حسن بن يوسف (١٤٠٥ ق)، الالفین فی إمامة علی بن أبی طالب ❁، کویت: مكتبة الالفین.
١٨. حلی، حسن بن يوسف (١٤٢١ ق)، منهاج الكرامة فی معرفة الإمامة، مشهد: مؤسسة عاشوراء.
١٩. حلی، حسن بن يوسف (١٤٣٠ ق) [الف]، الباب الحادی عشر، قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم.
٢٠. حلی، حسن بن يوسف (١٤٣٠ ق) [ب]، كشف المراد فی شرح تجريد الاعتقاد، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم.
٢١. حلی، حسن بن يوسف (١٩٨٢ م)، نهج الحق و كشف الصدق، بيروت: دار الكتاب اللبنانى.
٢٢. خزار رازى، علی بن محمد (١٣٦٠)، كفاية الأثر فی النص على الأئمة الإثنى عشر، قم: بيدار.
٢٣. خوئى، سيد ابوالقاسم (١٤١٣ ق)، معجم الرجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، بيروت: مؤسسة الخوئى الاسلامية.
٢٤. شرف الدين الموسوى، السيد عبد الحسين، (بی تا)، المراجعات، تهران: الدار الكتب الإسلامیة.
٢٥. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسين بن موسى بن بابويه قمی (١٤١٤ ق)، الاعتقادات، قم: كنگره شيخ مفيد.

٢٦. صدوق، أبی جعفر محمد بن علی بن الحسین بابویه القمی (١٣٩٥ ق)، کمال الدین و تمام النعمة، تهران: دار الکتب الإسلامية.
٢٧. صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (١٤١٦ ق)، الخصال، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
٢٨. صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (بی تا)، عیون أخبار الرضا، تهران: انتشارات جهان.
٢٩. صیمری البحرانی، الشیخ مفلح (بی تا)، إلزام النواصب بإمامة علی بن أبی طالب علیه السلام، قابل دسترسی در: <https://lib.eshia.ir/27091/1/0>
٣٠. طوسی، أبی جعفر محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (بی تا) [الف]، الرسائل العشر، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
٣١. طوسی، محمد بن حسین (بی تا) [ب]، الغيبة، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
٣٢. عبد الرزاق دیراوی (١٤٣٣ ق)، ما بعد الاثنی عشر إماما، [بی جا]: انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام.
٣٣. علاء سالم، حسن عبید، (١٤٣٣ ق)، قبل الطوفان الثاني أحمد الموعود، [بی جا]: انتشارات أنصار امام مهدی علیه السلام.
٣٤. کلینی رازی، محمد بن یعقوب (١٣٨٧)، الکافی، قم: دار الحدیث.
٣٥. مجتهد سیستانی، سید مهدی (١٣٩٦)، دوازده خورشید، قم: دارالتفسیر.
٣٦. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (١٣٦٣)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل رسول، تهران: دار الکتب الإسلامية
٣٧. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (١٤٠٣ ق)، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
٣٨. محمدی هوشیار، علی (١٤٠٠)، درسنامه نقد و بررسی جریان احمد الحسن البصری، قم: تولى.
٣٩. مسعودی، علی بن حسین (١٣٨٤)، إثبات الوصية، قم: انصاریان.

نقد مدعای فرقه یمانی مبنی بر ۲۴ نفر بودن امامان از منظر روایات و آرای علمای امامیه ❁ ۱۱۳

۴۰. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق)، الإختصاص، قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید.

۴۱. موسوی شفتی، اسد الله بن محمد باقر (۱۴۱۱ ق)، الإمامة، اصفهان: مكتبة مسجد سيد اصفهان.

۴۲. ناظم العقیلی، (۱۴۰۱)، وصیت و وصی احمد الحسن، [بی جا]: انتشارات انصار امام مهدی ؑ.

۴۳. ناظم العقیلی، (۱۴۳۶ ق)، چهل حدیث در مورد مهدیین و فرزندان قائم ؑ، [بی جا]: انتشارات انصار امام مهدی ؑ.

۴۴. نجفی یزدی، سید محمد، (۱۳۹۲)، آشنایی با علم رجال، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.

۴۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۷ ق)، کتاب الغیبة، تهران: نشر صدوق.

۴۶. هلالی، سلیم بن قیس، (۱۴۰۷ ق)، کتاب سلیم، قم: الدراسات الاسلامیة.